



1776

لورد اوراق معلوم قدرت جلیله نعمت سینه خدیجه بنام تقدیر محمد بن سید احمد حواله بوردی لانا اوراق معلومه بیان بولانه
 بیست و نهمین اوراق در بیان احوال و حالات این بزرگواران که در این مقام اعلیٰ و عظیم و شریف و عالی مرتبت و عالی قدر
 بلیس و دفع مشاق با یاد و راهی است و آنست که اولاً در این بزرگواران که در این مقام اعلیٰ و عظیم و شریف و عالی مرتبت و عالی قدر
 ترک راهیست و وقوع در آنست که در این مقام اعلیٰ و عظیم و شریف و عالی مرتبت و عالی قدر در راهیست و وقوع در آنست
 راهیست و وقوع در آنست که در این مقام اعلیٰ و عظیم و شریف و عالی مرتبت و عالی قدر در راهیست و وقوع در آنست
 موصوفات محمد صادق احوال و مقام بزرگواران این بزرگواران که در این مقام اعلیٰ و عظیم و شریف و عالی مرتبت و عالی قدر
 راهیست و وقوع در آنست که در این مقام اعلیٰ و عظیم و شریف و عالی مرتبت و عالی قدر در راهیست و وقوع در آنست
 تقدیر الله است و ضبط و تعیین و کنه یافته نمودن آنست که در این مقام اعلیٰ و عظیم و شریف و عالی مرتبت و عالی قدر
 ۲۰۰ الفقه ۲۱۷

لورد

لورد

لورد

لورد

وصفی

۲۱۷

٦

طرف عدیه بران قدسیت غوره خوانند از آنجا دانستند و چون حال کن عداد او صعب طبع و شیرین خفت اعصاب با ابرو
 حاکم آنز وقتند است عاودند ز سار که من محبت شیخه بدستی او کنی او ندانند لغا ارسال نمیدم دان صاف خفت
 جلیدند با تقیم حواله بوردان تکرار و رساله سلوک فرستادند در مقام اول
 رساله سلوک و ظهور علمار خلفه ای بدین شیخه است که از جمیع احوال جامع اصعب بود در آن جائه از تقسیم علم
 جوایف قدرت متا الهام ارباب بوردان خفت

لورد

٧

قویه ولایت سید شری صفی و انوع ایس جمیع نفیست خصایب و ستمت جنون متون اولان عمده است
 برین نواز اولاد زکونین ترک ایرک وفات و بونور درت تفر حیدت خصایب اولاد حصه برینا بلبدر اولاد
 ازین بهر ضایفه بر این است که بوقی با مضبطه و ضایفه ای بر این است که در دو انگلیسین موی
 حاجی ادیس انتیستک الی نواز اولاد زکونین ترک ایرک وفات غیره و ازین طبقه سلوک است که
 اید عوجی راه ان سکون ازین ضایفه برینا سلف اندر خصایب است که بهترین بلائحه اهل بیت
 موی است که ازین بوقی حقت قویه و ازین جمیع اولاد است که اولاد اولاد اولاد
 منم است که ازین بوقی حقت قویه و ازین جمیع اولاد است که اولاد اولاد اولاد

لورد
١٢

اولاد

شوق اولاد موی ابر عمده است که درین نواز اولاد زکونین ترک ایرک وفات و بونور درت تفر حیدت خصایب
 اولاد موی ابر عمده است که درین نواز اولاد زکونین ترک ایرک وفات و بونور درت تفر حیدت خصایب
 شوق اولاد موی ابر عمده است که درین نواز اولاد زکونین ترک ایرک وفات و بونور درت تفر حیدت خصایب
 شوق اولاد موی ابر عمده است که درین نواز اولاد زکونین ترک ایرک وفات و بونور درت تفر حیدت خصایب
 شوق اولاد موی ابر عمده است که درین نواز اولاد زکونین ترک ایرک وفات و بونور درت تفر حیدت خصایب

لورد

لورد

انوالص

وصف

وان نقیبه

نویزیم حاجی حاجی محمد رفیع القاری و تو اگر قضایه احمد غیبی بود که آنست که بنامت قده نایز و متوفی اولاد
 اولاد و تقدیر محمد امین بهجت قصبی و فی محمد صدره افندی که ترک ابرک واقع و فاته بنی محل اولاد محبت قصبی
 ابراهیم اعلی بنید این طایفه منکر و خلفانسه بیخ غیبی از آن طغنه باینکه ابغاصت اولاد او نه صفیوی ای
 علامه نصیبیه بدین بلیت و علی کرمه در قبه ولایت محمدی ادره بنام ادراف کجیون نقضت جمله اولاد
 اولاد غیبی نظیراً مقوم و بی نظیر باقیم حواله بوردان مضبط و تو به محکم بره بنام ویران اعلام و اسام
 مطهره اولادش و مورثات محدودی اصولاً در مقام تو کس از حد بر موجب اعراض است و کس از غایبین از فرقه
 باینکه ابغاصت اولاد او نه بنام قصبی و فی محمد صدره از علامه نصیبیه بدین بلیت و علی کرمه
 تقیم نموده ابو مضبطه و اعیان بنام مفضولان نظیرت متا ایله اولاد بولور بنام

۶ خرداد ۱۲۱۸ هجری

محمدی و اعیان بنام مفضولان نظیرت متا ایله اولاد بولور بنام
 مجلس اعیان بنام مفضولان نظیرت متا ایله اولاد بولور بنام
 جمله بنام باقیم حواله بوردان مضبط و تو به محکم بره بنام ویران اعلام و اسام
 مضبطه سنگونه که خلاصه باینکه بیخ غیبی الحاد و تقاض و تو سینه امی که در علامه صفیوی خانقاه تو کس
 بنامت قده متوفی اولاد اعلی کرمه افندی که ترک ابرک واقع و فاته بنی محل اولاد محبت قصبی
 ابرک و فاته و عارف افندی که ترک ابرک واقع و فاته بنی محل اولاد محبت قصبی
 اخوانه عبارت اولاد مضبطه سنگونه ادره بنام محمدی و فی محمد صدره از علامه نصیبیه بدین بلیت و علی کرمه
 افندی که ترک ابرک واقع و فاته بنی محل اولاد محبت قصبی
 چند زمان مورد تیریکه و موسی ای حاجی از آن مکرراً احادیث و روش صحیح علامه از اولاد حضرت امیر
 بنی اعدام و در مقام اعیان بنام مفضولان نظیرت متا ایله اولاد بولور بنام
 موسی ای حاجی از آن مکرراً احادیث و روش صحیح علامه از اولاد حضرت امیر
 و فی نظیرت متا ایله اولاد بولور بنام

۶ خرداد ۱۲۱۸ هجری

اموال بعضی
 و صفی

زینار بن محمد بن ابان
 بهت منعه نك موسى الرضا افنديك و...
 حقت خلافتك بر اينها الملك...
 اعلام او در نزد غير الله مضبوط و...
 حبيب اذن تو بغير اينچون امور اعظم مقتض...
 يابست منكره به شمار در موقوفات ديورنك اعلام و...

تو...

عبدالله بن محمد بن احمد

۸ ربیع الاول ۴۲۷ هـ

و...

و...

مورد

در این قوس خارج شده واقع امیر البحراری قدس سره العالی در کاهن مشیخت جنتک حرمی خاتم ائمه بزرگ منحل اولیان
 نصف حصه سنگ برادری اولوب بالامتحان اهلینی بنین بدن عبد الجیم قندی به نوجویی حقده نقدیم اولوب موقوفه
 اوقاف جهلوی نظارت جدید سینه بالارسال حکم نقیست چول مضبطه اوزر به حصه مذکور است بدری مخلندن حال صفر
 مشغله عمده سینه امانت جهن توجیه اولسان موی ایه عبد الجیم قندی به نوجویی سبب غلبتس بوده موی ایه عبد الجیم قندی
 جهات نظارت سنگ استیجی ماده کی بیخبره وقتیه عمده سینه امانت جهن توجیه غلبتس مین حقن اسقاط ایدیه کی
 شرکت خبریه ده معاند مستخدم اذکت بعد اجماعت مذکور است مذکور نظارت سنگ امانت جهن توجیه موقوفه
 حسن بصری قندی سنگ عمده سنگ نصف حصه عمده توجیه مضبطه سنگ است ضمیمه مضبطه مذکور موقوفه
 بالنقدیم حواله بوزر سینه یاد مطالعه اولدی بدری سنگ جهن امانت جهن توجیه سینه امانت جهن توجیه غلبتس
 حقن اسقاط ایدیه جنتک مشیخت جنتک عمده سینه توجیه سینه صرف نظر ایدیس بیان ایدیلان موی ایه عبد الجیم قندی
 عمده سینه امانت جهن توجیه اولوب بقعه اول موقوفه **رضی اللہ عنہم** امانت جهن توجیه سینه امانت جهن توجیه غلبتس
 امانت جهن توجیه موی ایه عمده اولوب بقعه اول موقوفه حقن اسقاط ایدیس عمده سینه جگنه و شرکت خبریه ده استیجی
 جهات مذکور است عمده سینه توجیه مانع که رید مدینه و کند کی اصول و امسالی در جمله بالامتحان اهلینی بنین مذکوره
 بنی نوحان برادری نوحای موی ایه محمد خاتم ائمه بدین منحل اولان نصف حصه مشیخت جنتک مذکور نظارت سنگ
 استیجی ماده کی حکامه توفیقاً مضبطه مقدمه موی ایه عبد الجیم قندی عمده سینه توجیه معاند سنگ اجراس
 ضمیمه استیجی ماده کی ایجاب حرکت مع الموقوفات موقوفه مذکور به استیجی موی ایه سینه مذکور قندی

مورد

مورد

۱۵ ریح الاول ۱۲۱۵

ایوان العیون

مورد

مورد تکلیف درگاه نیست و وجه آنز کجای سواد اخلاقی است که انکار خوف و طمانه در درون او نهفته است
 کجند و بیکه آیتون تقنی همگی در فرقیس حاج محمد کلان سقفه اوست آید که در جلاله اجتناب
 اینها درسی بلوغات تقیم الیوی بنید بویون بر حار و طهوره من فایان اوند و همکار محبتی در تخریب
 لایحه اعجاز حقن بقدر نظار فاعلمه آنکه خیرین بعد ابعان مقتضایه را و سوادت جلالت تقیم

حواله بویون تنگ و تقف و راست و دعا لودهن
 بعدا بوی لودهن بولسی درگاه فکدر پوست نیست مویا در جلاله اقرن البه آینه انجمن الودیفیک مفضل و بولور
 اعلم که جویا آینه است از ایام اینار بولور ترکتش ۴۹ ریح الاصل ۱۱۸
 وصفی انوالوص مصره عمر
محمد محمد محمد

نور
۵۰
۵۸

۲۱

شم شریف سوخته محسن واقع طریقت نقیبه در عالم در کجای است
 محذره عبید الجید از عدل بیعی استعاره از عیبه علیار سلطانیه بیضا تقیم الحق اوزده کلنه تقلم شیر اوله
 حضرت عبادت از بیضا تقیم بطوراً ارکان طریقت از بیضا تقیم حلیه از بیضا تقیم حوله یوزیلان شرک و بیضا تقیم
 مومنان از بیضا تقیم اقر و طریقت بیضا تقیم و حوله یوزیلان حوله یوزیلان

ادوات بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 بیخ محمد از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 قلبه یوزیلان حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 برینک عدل از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 با بر احمد از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 مومنان از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 صورت اما الجاریفی صورت بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 تقیم از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 احاطت در این حلیه از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 در این حلیه از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان
 تقیم از بیضا تقیم حوله یوزیلان سویر و این حلیه در بیضا تقیم نظر در راه نکرده عا طوبه کن مومنان حوله یوزیلان

نور

نور

نور

نور

نور

نور

نور

پتانیه از لوردو واقف قضاوت در کاهنک منحل اوله تحت جنتک بتییر ایچون مفعف ۸ در العقه
 تاریخ توخیه بیات خلفه سنانک تاریخ نشریه رسما ارفاق هایدون لغزت جمله بتییر آرخنک طینه
 جیس داعیه زجر لوزم کور لوزنم و کیفیت دیوان هایدون ظلمیه و ضبوط و معلوم اوله لغزه کتفیک مضا بیدر لیا
 حضورنک طرفه می خایب جده بتییر ایبار بولست نزلتلف
 ع علی الاصله

ع لعل مره لعل

انوالعص

حلب ولایت جلیک منزه اوقاف هایدون لغزت جمله ایراکان نقیب مطرودنا تقم و مستیگدیه بتییر مجوس بز حواله
 بیدر لیا مفعف قیادت و مبدله از لوزم بتییر مجوس ادا به سنه و ریلاز مضبوط اید ادر نه محله سیده سنه رسوا اید ایلام اعلام کتفیک
 خلاصه ملل ادر نه حوالان هیندر راهی شیخی محمد باقر افندیگ سفیر اولاد علی الرحمن محمد باقری سنه لیسک دواته بی منحل اوله
 تحت حتر شیخ حسن انز و فتنه با نیایه ادا حرات ارفاق ادر نه صفیان نبود انک سنا بولکولانه غیر ادر نه انز بتییر بی
 برات وقت اعدا کتفیک عمارت اید عودت اعدا موافق اصول کتفیک برقتی لاجنه صفیر بیدر سوی اله محمد باقر اوله
 در لاجنه اعدا و اعشار اید منحل اوله تحت جنتک بتییر سوزان سوی اله محمد باقر اوله منحل اوله شیخ صفا قرنیایه
 صفیر سوی اله عبد الرحمن انز بتییر بتییر اعدا کتفیک بتییر اید و مضبوط داعیه نوزن اوله سوزان لغزت سنا ایلام

ع علی الاصله

عاریه بتییر مجوس ادا به سنه اوقاف هایدون لغزت جمله ایراکان لغز مطرودنا تقم و مستیگدیه بتییر مجوس کتفیک
 حواله بیدر لیا مضبوط و مبدله مبدل اوله بتییر مجوس محله سیده سنه ریلاز اعلام کتفیک حواله ادر نه
 بتییر کتفیک سنه واقف رفاه راهی شیخی محمد باقر افندیگ دفعه دواته بی منحل اوله تحت جنتک بتییر کتفیک حواله ادر نه
 عده بتییر بی بتییر اعدا کتفیک عمارت اید عودت اعدا موافق اصول کتفیک برقتی
 اید در کاهنک کتفیک بتییر سوزان سوی اله شیخ احمد انز محمد نوزن کتفیک حواله ادر نه بتییر
 بدیه بتییر اعدا کتفیک بتییر اید و مضبوط داعیه نوزن ۵ فیه مطرودنا لغزت سنا ایلام بیدر لیا

ع علی الاصله

انوالعص

کدامه غیر محلی داده تنه ارفاق همیون لغات حلیکه ارکان لغت مؤدنا مؤمن سنجیده بقیه محلی است
 حواله بیدلان مضبوط ایام بلفونان کدامه محکم شیخ سنه اعلا ایلان اعلام رانه سوادین اخبار سنجیده جوان
 کدامه بایت سریم سنه بقیه محلی بیدلان حلاله ارفاق حلاله ملامت کدامه واقعه خست زام نم بود باقیم رالی
 بخت وین بایست من مؤمن اولان بخت زام خلیقا قنن کیر و غنل اسما علی حق رضا اقبول ترک ایدر بخت
 اتین ضاموی الجاسید الیه اسما علی حق افزایم برادر زام کر عمر و خست زام طبعه اقبول وقتن بخت نکلده اسما علی خست زام
 موی ایها عمر و ضعیف اقبول کیر جدر فخر بیدر اسما علی حق در اسما علی حق اقبول بخت اقبول بخت اقبول بخت
 بخت بر سنو فخر موی از خلیقا قنن بخت
 مؤمنات محمد بخت نکلده بخت بر سنو فخر موی از خلیقا قنن اهد اولان افکار ایلان کیر اقبول موی از بخت بخت بخت
 کدامه بقیه بخت
 ارکان بورد کرامت

۱۸

کدامه غیر محلی داده تنه ارفاق همیون لغات حلیکه کوه زینب مطفا مؤمن جنب سنجیده بقیه
 حواله بیدلان مضبوط ایام بلفونان کدامه محکم شیخ سنه اعلا ایلان اعلام رانه سوادین اخبار سنجیده جوان
 واقعه اولان حلاله ارفاق حلاله ملامت کدامه واقعه خست زام نم بود باقیم رالی
 دفعی بلا و دعات اقبول بخت
 بخت
 بخت
 ارکان بورد کرامت

۱۸

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

صومرو
۲۹

چشمان با ذر لعل از لیم خانزاده ارحم العفوان صفتش جبهه سرفراز جوارش و انور ابدی در راهی میخفت
 بقد سوز اولاد شیخ حسین قدسینک ملا به زکوة وقوع و فائز بنی منحل اولاد میخفت منگنه کرمه از
 بیدار بعضی خلایق و فتنه باقیم مجوس تا آخر محو و ضلالت استعانتی و در راه فکرمه و صحرای اهدی
 بر مقلد و صدادله در راه کجا با داشت ایش شطه بر قبضه امر و اما انتفاخه از نوشتن الحقه بعین
 امر و اولاد از سن ایجاب ساید زانه حله در جنبه الحق او زنده اولاد و در راه مندر حلقه امر و اکتفت
 کشفه و فتنه بر نظم و نظم کشف الی بر بر قاریت حوضتک او فان کلین لغزت حله از ارباب پوریا

تذکره خلفین اولادین
 و صفه
 انوالد منس رهوه جاکله
 حلاله
 لوی
 ۲۴۳۳

لوردو ۲۷

بهره کاشی هند فتنه خانی و یکم محمد از منکر در کاشی کنا اتحاد اید این وقت اوقات اید بیاید و بعضی
اصول با یکی از اخبار کما و نیزه اوقات تحقیقات بنیمن کیفیت تا به الجسار و بعضی نیزه در ساحت و نیزه بیخ اصل
عبد القادر افندیست بالذات افعال ختمت اینک و با خود اهل و مدینه خود بود که بعضی و کلمات الجسار ایچون و با با اوست دراز
بر در مجلس شایسته و در لایه زنگه که عورتش لایه خداوند کار در لایه کاسته است نیزه باقیم حاصله بود لایه بیارت و طوفان
~~موسی بنی محمد بن عبد القادر افندیست که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است~~
~~افندیست که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است~~
~~دکتر موسی محمد افندیست که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است~~
~~بهره کاشی هند فتنه خانی و یکم محمد از منکر در کاشی کنا اتحاد اید این وقت اوقات اید بیاید و بعضی~~

بهره کاشی هند فتنه خانی و یکم محمد از منکر در کاشی کنا اتحاد اید این وقت اوقات اید بیاید و بعضی
موسی بنی محمد بن عبد القادر افندیست که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است
و کتد حلاف و من احوال بهرت اینک فتنه حاکم افروز خور و اسطه سید ذکری که موسی بنی الجسار و لایه کاسته است
حضرت جو یا اسفار بیور که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است

۲۲ جلد ۲۱۸

لوردو ۸۹

چو در بنی محمد بن ادره بنی ارناف حلیون تقاررت حلیون اید که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است
موسى بنی محمد بن عبد القادر افندیست که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است
حلیون بنی محمد بن عبد القادر افندیست که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است
ابوبکر از مدینه و نوحیه بنی بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است
بودن بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است
بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است
ایده بیور که بنی الجسار و لایه کاسته است و لایه کاسته است و لایه کاسته است

۲۲ جلد ۲۱۸

و بعضی
عبد القادر افندیست
عبد القادر افندیست
عبد القادر افندیست

مدینه ابو ابوالاعلیٰ صمدی ضمیمه ابا هر حفته جوارق و انو لغز را هم عبد الباقه افز و نافه مندر خانه او در کجا زاده
 بشی ایچام محمد اخذینک بلا اول زکور وقوع و ناته بین محل اول از بخت ^{بخت} مستوفای موسی الیک و کیر امین افز اید
 بخار از شیخ عالی افز به تعیین مستور داخل و خارجه زاده منگده ^{سکنا} سناج و در توکم اید جهت منگده نیک منگده
 تعیین مستور موسی الی امین و حاجی عبد الرحمن و حاجی شکر و عبد الخاق و نظام الدین امین ^{امین} مستور مستوفای تعیین اید بزار اید
 تطعمه و مصالح و در بطلی حواله بولش اخذ بر لیه اید ^{مجدد} زادت و صلوات
 ارتاق محمد بن نجات جیدس ^{بخت} بخت نکره خوف و انق سار الیک و قیسه سیدینه نظراً زاده منگده
 طریقت علی و نقیبه در زندخانه بقیر و طلق مجدان او زیکه فقره ^{مفروض} الحاق و زاید ارضی و فی ایدینه
 کفر اتفاق و اختیار اید برینا زاید و ارضی بره امور اینه یکس طایفه مد خدا و مخالف و زاید منگده ^{مفروض}
 برین اید و چو در حال بولان اسکان اید رنگ و دیدن وقوع بولان نواع حاصل محکوس و طایفه روست زاده
 دارلق منگده ببارت بخت سیم اید ضبط اتمی سراط واقعی ایدینه از ایدنی ^{مفروض} طایفه و ایدینه
 محله و انتخابه تک اوس در دست اید و کین موالم اید زاده منگده ساکن قتلک اکثری ایدین اولیای
 کاشف و محس سازه ایدینه از اید قلمی و جهت منگده ^{طلبت اید} در ^{مفروض} تعیین مستوفای موسی الیک ^{بعضی}
 انتخاب اید زاده منگده ساکن اید اید زاده منگده ^{مفروض} از زیکه انتخابه زاده در
 تعیین سراط واقف مخالف و معیار اید جفی بیان و کین موسی الی امین افز اید زاده منگده ^{مفروض} معروض ایدین
 اول قلمی اید و در میان اید ایدینه و کین موسی الی امین افز اید زاده منگده ساکن قتلک او بزرگ اولیای
 اول قلمی نفرین ایدک و بیدیه کانا مای هو و جهه قبول اید ایدینه ای ^{مفروض} انتخابه که در اینه تبلیغ
 ایدینه اوزینه اسکرام و وقوع ایدین در کاهی بشی اید که از اید ایدینه در کاهی بشی ^{مفروض} حکم انتخابه ایدین
 افز موسی الیک اید مای هو و جهه قبول اید ایدینه ^{مفروض} در بر قطع ^{مفروض} و بول ایدینه از موسی الیک
 توقف و معلوماته بین در عادت محمد بن ایدینه و اید ^{مفروض} بخار و کاهی بشی عبد المجید از ^{مفروض} حدیث
 اید زوق زاده منگده اید ^{مفروض} تقر اید کین موسی الی امین ^{مفروض} ایدین از ^{مفروض} صاحب ^{مفروض} ایدینه از ^{مفروض}
 از موسی الیک سوال اید ^{مفروض} و کین موسی الی امین ^{مفروض} از ^{مفروض} صاحب ^{مفروض} ایدینه از ^{مفروض} صاحب ^{مفروض}
 زاده منگده ساکن ^{مفروض} مستوفای ^{مفروض} بخار ^{مفروض} نظام ^{مفروض} الدین ^{مفروض} فاسر ^{مفروض} و ^{مفروض} مستوفای ^{مفروض} حاجی ^{مفروض} بنان ^{مفروض} و ^{مفروض} صاحب ^{مفروض} ایدینه

در مورد راجعی صحیح و معتبره جلی محمود و شکره عاتق نم کجلا اوزین اهل بیت علیهم السلام
 اولاد بزرگان یوزارینه قار شو سولیدینه و بوزارینه نظام الدین و جایی یاز و جایی ابراهیم و جایی صلاح نام
 کجلا راجعه اهل بیت و جودان اوزیکه دین موی اری شیخ عقال اوزی راجه انتخاب لیدرین بر قطعه انتخاب نام اهل
 ایزدینه موی اری شیخ عقال اوزی ذرا اولاد قلذ خانه قظر سنیز و جودان اوزیکه دین و ولایت علی تقییر دین
 اهل بیت خلفه شایع اعیان اهل بیت و قمار بر بود بقعه یاد شطراف صیغیه جنت مکه کونیه
 سونار موی اری شیخ محمد اوزی محققین بر جیب انتخاب موی اری شیخ عقال اوزی در زمان یوسف و جودان
 ظنک ذرا اولاد و کتار بکن فقه اجیره شیخ بیان اهل بیت اوزی اجیره شیخ اولاد نظام صیغیه بودی
 بلا برت تصرف اولاد جهات ایچون بانی معاصرتی اهل بیت اهل بیت اولاد موی اری شیخ و اولاد اوزی
 بدین بانی معاصرتی بقیع قلذ اوستو ضبط و اعباد ذرین مطلقه فایده مفادنا اوزی اهل بیت اوزی

و کسب اهل بیت

جلیه اهل بیت اوزی

مستحق

عقل

عقل

و عقل

۲۶

تمام شریفه سوبقه محمدیه کائن طریقت علیہ نقشبندیه خلک به درگاه شیخ منور خان زاده محمد از بن محمد اول متبحر جنگ عهد کند توفیق
مسند و مخدوم علی بن ابی طالب طرفین تقدیم اولی زاده عاقله از بنیه خصوصاً که حضرت اوف در دینش بسوی اکلای معالیه ایسانه دار محسوس
دایچه زاده عاقله کنی بدین معنی است یعنی هر چه در این خصوص مذکور شد از اولوب لیب یوریا اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم

تقدیم بنفشه از اوف همیانی نظایر جمله کسب زور داد که ترک و موقوفات خصوصاً محبت غم و طوایف و غیره ایمنه محاسبه معالیه متفق
باینکه نظایر جمله کسب زور داد که ترک جوابیه اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
بر سر راه رک مطالع و اجابتی بود که اولی زاده

ادریق موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم

زک ابیدیک دین نگرید اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم

اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم

موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم

موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم

موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم
موقوفات و اولی زاده عاقله در اوق جهات فراموش کردید تقدیم

۱۱۹ لورد
 ستم کتب قهریه حکم سن و اتق سفر جلا زاج و جلیک جبال سبک تیغ طریقت سازیه اصوغ اردیه افاده از کار
 داورانگیل اول شیخ احمد سوزجان لغتیک و نوع دقانه نما ^{بعضی} سوزجان از آن جنابک مخدوش شیخ صلاح و شیخ
 لایحه مجربا برت ای اعصا دارشم تیغ حکم سوزجان و ^{اعلام} و تیغ لایحه ایفار مقننه سوزجان
 مجله اوله ننه اوزان جلیک لغت جلیه ارامان سوزجان قاعده سوزجان سوزجان سوزجان
 مضبوط و مقننه اعلام در تیغ اوزان جلیک سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان
 نظام اردیف رنگ اعلام در تیغ جلیک سوزجان در سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان
 سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان
 این مضبوط و مقننه سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان

سوزجان

۱۱۴ لورد
 اردلان جلیک مجله اوله ننه اوزان جلیک لغت جلیه ارامان سوزجان قاعده سوزجان سوزجان سوزجان
 مجله سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان
 دافع و تیغ سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان
 سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان
 سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان
 سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان سوزجان

و صفی
 اندو العص دوره
 سوزجان
 سوزجان
 سوزجان

بیک کتاب و در این نفوس معادله می دیند و طیف سی با آنکه در این برنده دانات است و دانه طبعه کاتبی جری اندک بر نه طوطی
 مکتوبه صاف از یک رنگ زعفرین بود و طیف و متوفای موی که در طیف بی با چون اقدیم مجلس این از یک رنگ و نوع بود
 در این صفت او ز بر نه تخصص و اعطای بود و دانه بود و در نور خورشید نامور است معاشک است هر طریق معاشک
 نقل در کتب و در این صفت او از طوبی موی که در دانه دانه منی معاشک مذکور طبعی منحل و در این صفت
 و در طیف مذکور معلوم مانده بود موی که به صاف از نهی طرفین با او منس و در معاشک مذکور یک نامور است
 معاشک از نهی موی که به صاف از نهی تخصص و اعطای بود و در نور خورشید نامور است معاشک است هر طریق معاشک
 معنی آن در طیف من اینها است که بر این نظر با بصورت و احیاناً جبهه جسم الدین اندک معاشک ها را به ضخیم خفیف را
 عن جبهه جبهه شکر بیدار است و عیاناً زخم آرم او را در این

اول ۲۹

طوبخانه در جواهر جمع بر نه در با هر بر نه شیخ حافظ محمد اقدیم یک بلا و در نوع دانه بر نه منی از نه است و در
 عود و فیض طیف خلوت خفیفه محمد جمال در و دانه از دانه همدان قدرت جبهه نامعاه الیه صاف و در
 مضمون مستقیم از به کیفیت معلوم بود از این مضمون است و در این مضمون است و در این مضمون است
 از این مضمون است و در این مضمون است
 اهل تلبیس من و در محمد جمال الدین از شریف و طیف من اینها است و در این مضمون است و در این مضمون است
 حمل و در مضمون است و در محمد جمال الدین از شریف و طیف من اینها است و در این مضمون است و در این مضمون است
 داعیه نوزاد مظهرت ما را ایام از سال بیدار است

اول ۳۰

و طیف من و در محمد جمال الدین از شریف و طیف من اینها است و در این مضمون است و در این مضمون است
 انوار نفس دوری و در این مضمون است و در این مضمون است و در این مضمون است

لورد بر سره ابابار محمد بن داغ سلامه شده است درگاه کبریا تحت قبضه نفسا به سر تو فرستد البرجم ارحم افضلت محمد بن
 ۱۲۶ عمیر شیخ عبداللطیف از بهیاب ارا حفتا ارنه عدنه بوضیة لغتن ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة
 جنت منگونه اصله عدنه بقیس اسماعیل حق افز و ضیة استه عا ارحم و جنت منگونه کمال و جبار تجبه اولون فغنه بختة
 ۱۳ حدیث ۱۲۹۱ ازینکه بر قطع برت و در لیس اولی الاکمل اذینه مود مال اسماعیل حق افضلت بر بر محبت ساخچه اصول استی
 بابا با اعلیت دقتا بین اینه من جنت منگونه اصله عدنه بقیس حفتا بر در حکم کبریا سینه میان اعلام سرور سا اذین فغنه
 ابان مقتضه در خداوندگار و لایز محبت اوله سینه ارفا در اولی اذینت جلیک با درسی نظد ناپ قیام کوه در بید محبت ساخچه اصول
 بویلا مضطر و لغونه فرست و سع له ارضت و معرفات محله اصول و نقه من بران تو فغنی اصغر و صالح بار
 عدنه بر لیس بر لینه نصف همه تحت جنت ارضت اقله مودی اولی ارحم افضلت ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة
 ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة
 ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة

ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة
 ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة
 ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة
 ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة
 ارحم البوم کبریا عبا حفتا سقتة بولون فغنه بختة

۱۸ در المصنف الی

نور

۱۱

حفظ از کتاب

نور

نور

صنایع و فنون و صنایع باقیه حواله بوردان
طریق عرق حیات و حقایق کرماتین ان ایدر مش او در فی در کاهن اعداد و ارقام
مفهوم او در فنون و هنر و صنایع و در صنایع و در صنایع و در صنایع و در صنایع
موی ایدر مش او در فنون و هنر و صنایع و در صنایع و در صنایع و در صنایع
موی ایدر مش او در فنون و هنر و صنایع و در صنایع و در صنایع و در صنایع
حقیقت برین درین و درین

۱۱ ۲۱۹

نور

نور

نور

داخله در صنایع باقیه حواله بوردان
حفظ از کتاب

۱۱ ۲۱۹

نور

۱۶

کتابچه در صنایع باقیه حواله بوردان
حقیقت حالک لفظ و آله و سوره
حقیقت باقیه حواله بوردان
حقیقت باقیه حواله بوردان

۱۱ ۲۱۹

نور

۱۷

بوی اسکاچ بجا زاده کاهن
حقیقت باقیه حواله بوردان
حقیقت باقیه حواله بوردان
حقیقت باقیه حواله بوردان

۱۱ ۲۱۹

نور

۱۸

حقیقت باقیه حواله بوردان
حقیقت باقیه حواله بوردان
حقیقت باقیه حواله بوردان

۱۱ ۲۱۹

دود
۱۶

۶۴ لوز خانق و قندز بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 ۶۵ جومات قندز قندز جیجا دیلا بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 بیخ احمد از زاده سید ابی حقیق که بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود

۱۰ ریح الاو ۱۱۸
 و صفی
 ابو العیسی
 دود
 ۱۷

۶۶ گداز و قندز بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 ۶۷ جومات قندز قندز جیجا دیلا بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 بیخ احمد از زاده سید ابی حقیق که بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود

۱۸ دود
 ۱۹ ریح الاو ۱۱۸
 و صفی
 ابو العیسی
 دود
 ۲۰

۶۸ بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 ۶۹ جومات قندز قندز جیجا دیلا بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 بیخ احمد از زاده سید ابی حقیق که بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود
 ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بودیلان ابو عیسی در بولطایت خاندان و قندز بقیم حلال بود

۲۰ ریح الاو ۱۱۸
 و صفی
 ابو العیسی
 دود
 ۲۱

لوردو

سرسنت داصل لهرق بالذات انفا خسته كسبندار ايكينجه جته وده وكيده احيا و قلبي قهقهه جبهه محتبه خسته
اصالة عنده نوقله مستقر ندره خاندان درگاهي نجه تونزه محمداتر محمد بي محمد قعد اتر وقتنه البقير حوله
بودلان ايوغنه لاور لوقنته لوقه اموه واقف و لوقه من انفقند ايار حوضه كنه و لاور مرزا ياست كنه
۱۱ عمارت لوردو

لوردو 79

بقار بود لوردو

لوردو 80

سردوب سرد يار درگاهي نجه كيم تيند و كانه بولنه سدر تقدر مقبر ابرو اخذ تيند ايار حوضه
بعضي مستغله حادس بر خيم مد تقير لوقه حوله بودلان ايوغنه لوردو
بويان ردم ايم حصار نيند واقف مستقر درگاهي نجه تا نو بيا واقفنه البقير حوله عمارت لوردو اموه دراز نيند
ايار حوضه ايوغنه لوردو عمارت لوردو ايوغنه لوردو ايوغنه لوردو ايوغنه لوردو ايوغنه لوردو ايوغنه لوردو
لوقه اموه ايار حوضه تقدر مقبر ابرو اخذ تيند ايار حوضه
۱۱ عمارت لوردو

لوردو 80

انوال مص

لوردو 81

مستور علاه لوردو لوردو انال الميدي مير يار لوردو كنه و نيك بيم دوسته لوردو حوضه
اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه
لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه
لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه
لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه لوردو اوراق لوردو حوضه
۱۱ عمارت لوردو

لوردو 81

انوال مص

لوردو

لوردو

لعمرو
۲۲

اورنگه طغتنه باقیقیم حواله بویولان ایوی صفا لعمرو
۱۰۵
بوندن حفظی ندرکنش
۲۲
۱۰۵ اول ۱۸ ص ۴

غوت راه در کاهی بدست نیشی محی الدین از رضنه باقیقیم حواله بویولان ایوی صفا لعمرو
۱۰۸
عطا و کتبه افند اول او هم راه و نکر دست خیزینک بالا بواجی با برنگار بانه قنق بوندن مطوقا اوقاف کلید افند
جلیله ارباب بویولان ندرکنش
لعمرو
۲۲
۱۰۸ اول ۱۸ ص ۴

تله قریب من مدون شیخ قدوس صفا لعمرو
۱۱۵
سارالیک اصحاب طغتنه باقیقیم حواله بویولان ایوی صفا لعمرو
اوبه حقیقت نزلم و در راه نکر محظوظ بنده نقلات معجزه اوبه صلوات ایندر حفظت لایله ایلا باران
بویولان ندرکنش
لعمرو
۲۵
۱۱۵ اول ۱۸ ص ۴

نقل الدین از رضنه باقیقیم حواله بویولان ایوی صفا لعمرو
۱۲۵
بختی خیزینک بولان ندرکنش بالا بواجی با برنگار بانه قنق بوندن مطوقا
۱۲۵ اول ۱۸ ص ۴

۲۲

عینا لعمرو

الوالدین وری لعمرو

ندرکنش

۱۲۵

ایضا بغوت با بار کاهی صفت نیکام نبینا قریب ندرکنش
۱۲۸
بختی و صفا لعمرو
۱۲۸
مقدون پنا راه کتبه صفا لعمرو
جلیله ارباب بویولان ندرکنش
۱۲۸ اول ۱۸ ص ۴

۲۲

عینا لعمرو

عینا لعمرو

۱۲۵

صفحة
الاصحم خلاصه

استنوار معانی که جامع تر یعنی قریب مقید بخود حق حکم و واقع و انیت علی شرفه در خطه طرا ح احمد افروز در خطه
 بویت نشین محمد علی افندیگ وقوع در خانه منی منلی اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 طرفه از استه عالیست و جهت فکله که متوفار معنی که در خطه اولاد منی است و در بدلی و بقیده و قیسه نظایر است و جهت فکله
 واقفک و له معنویس محمد عارف افندیگ اولاد اولاد اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 میان اولاد مویله محمد علی افندیگ وقوع در خانه منی منلی است بر وجه شرط واقف کنی عودت بقدر ای اولاد
 که در طایفه فکله به نسبت و جهت فکله من ایضاً اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 و فقه در راهی بویت نشین اولاد اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 اولاد ایضا متوفار مویله اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 اصل ایضا متوفار مویله اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 مویله اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 بیاید ایضا متوفار مویله اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه
 اصغه ابو عنطه را عینه و کن مصلحتاً ناسخات سایر ایام اولاد بیست و نه ساله تصفیه محمد زنی محمد جمال الدین افروز بقدر الوه کس طایفه

الواصل موری
 محمد علی افندیگ
 ۱۲۱۸
 ۲۵

ردود
۱۱۶

مولو خان بنو جوارن مان قلیجی دراهنگ برادر منم محفل از منحت جنک بر حسب شرط و تقصیر تو قید سه قره و
 از طرفت اوقاف هکون لغزت جلیده اعطای لغت عطفه منعم من تخندیدین باقیه محمدی سینه حمله بدین
 عاصم سلطانم اوستی و تاملون باقیه مولو بجای و اخلون حمله ارباب کهن من سکین لایقیت به در ذاب و مرافقت
 قلیجی شیخ محمد قتیقک رفاعتی کما یحیون نقود و قفنه الحقا اوزنه بودیم ایچ اقره و قفنه ابره بر وجه شرطه بختی
 ۱۸۱۱ مال ۱۱۱۱ تاریخ ۱۵۰۰ لایقیت به یمن بدت و بر یمنی وقف منکون معینه و قفنه منکون
 بیتا و قفنه اولادینک و اولاد اولادینک و اولاد اولاد اولادینک و اولادینک و اولادینک و اولادینک
 اتجاریه خلفانک و خلفاء خلفانک الصبح و ارسیده و بعد الاقافه خلفاء و خلفاء خلفانک بر سر کوه اولاد در و تامل
 محمودینک از واقفیه طایفه عدیه منکونه اهل لغت از شاه مقصد کجسیر و اکر در و تامل ایوان اولاد ارسیده
 بولنه طرفتک از واقفیه ابرار الخیر شرط اولادینک و اولادینک خوجه قفنه منیمان اولادینک از اولادینک
 وفات تخته و مندر مع ایله متوفان مولو تاریخ صلاحتینک برادر و واقفک خلفاء خلفاء اهل منحت
 وظیفه من ابعاده اهل در و تامل منحتی بولنه من بر حسب شرط واقف منکون منکون منکون متوفان صلاحت
 صلاح افسیتک معلوم مندر مع ایله محمد عارف از عدیه منقیده بدین علی الامور بابت من اعطای کتاب
 تاملت اولاده نصیر تاملت ابو صبیحه و عدیه منکون منقیده حوراً لغت من سارا ایلام ارسیده بولنه

و صفی
 ابوالفضل وری
 محمدی
 محمدی
 ۱۱۹
 ۱۲

لورد

٤٦

لورد

٤٤

حمانه محمد بن محمد بن اودانف کلون لغت زت جلیله از سال تقویم نظوداً تقویم مستفاد از تقویم محمد بن
 حمانه بیدریه مضبوط در بیان وقته رعنا اهل علم اناندر مضبوط در لغت اولی خلاصه و منی کلاماً زام مضبوط
 محمد و تقه اوزن حمانه بکونه کلون لغت زت جلیله از سال تقویم نظوداً تقویم مستفاد از تقویم محمد بن
 ایلدی کایه نیک صدارت ایلون لازم کلان و تقیه تطیلم و سنجت جاتر کلان کله و زت شرط ایلدی کلون بجه بوسه تقویم
 جتند کلان و تقیه ایلدی بوز بر سطح اعصاب ایشاننده عبارت بولون و صورت استقامت اهل علم
 کوریش ایلدی بوز بر سطح اعصاب ایشاننده عبارت بولون و صورت استقامت اهل علم
 محمد و تقه اوزن حمانه بکونه کلون لغت زت جلیله از سال تقویم نظوداً تقویم مستفاد از تقویم محمد بن
 نظارت سار ایلدی بوز بر سطح اعصاب ایشاننده عبارت بولون و صورت استقامت اهل علم

در سال اولی

لورد

محمد بن محمد

محمد بن محمد

محمد بن محمد

انوالی

محمد بن محمد

موسو
۸۰

احوال طوعا بنجد قرینہ جعفری حدیثا محمد بنک واقع صدرا سنی غار سلجان ہا جمع سرفقہ اون
 برہا ذکر اقلیدہ اقلیدہ کی ہرکہ با اذن توارک بشن بکن فوش و قف ایسٹہ بر وقف مولو و اینی تراست اقلیدہ
 و صفہ یکیم طریقت علیہ راعی اینی ابو الیک اوندہ احوال محمد سریم سفید احوال ایلیک و قیفہ صورتی اقلیدہ
 بنجت جنک عودہ زلفین مستفی جمع بریفند کورای طریقت نکلہ سائخند احمد صدق افسانہ زلفین باہر

صلہ جو بلا غرضت و قیفہ مددہ عالم ارشد
 مستفی موسی الی نکلہ و قیفہ جمع بر بشن بکن فوش و قف ایرک حمل اولاد فہنہ سہ پرکہ مولو سرف
 تراست اولفہ و بر صفہ صالیکیم بعد جلاۃ الف و الصبح اصول این طریقت بعد زقاغی اقلیدہ اوزہ بنجت و صفہ
 بنجت جہننا جہنن اولدیم کدورہ بعد الوفات بطنا بعد بطنا اولادینک و اولاد اولادینک اولاد اولادینک
 زکورد و ابرو ارشد و اصلینک سوج الطنا سطر ایلیک اقلیدہ و صورت استماع موثق اصول زمانہ حوالہ صید
 مستفی موسی الی طریقت نکلہ سائخند و ارباب اہمیتہ بلاقتہ زلفین اقلیدہ و قیفہ نکلہ سائخند اصلہ ہوت تولا
 تیبیکہ بنجت جنک مستفی موسی الی شیخ احمد صدق افسانہ زلفین نکلہ سائخند حقیقت لازم کلان بنجت اقلیدہ
 بتسبب قیفہ تولا کو صیقلہ و اویاز قرینہ و قیفہ مددہ اوقاف خلیل نقارت جبکہ ارشد اولادینک

وصفی
 انوالصص دوری صفوہ احوال
 احمد صدق
 احمد صدق

لوسو
١١٨

حفت خانه رفته او احد جوارش واقع چشمخانه در شاه والی کله طاب ترها صندل در توبه کربلای فخر خرم خواجگان حفته
 مستور اولاد حانظ محمد کرا افندی بلبلاده وفاته بن سخن اولاد چند منگولیه کرده بپنزن تیر منظره با محسنه و لغو
 شیخ جانبد و گاهی ایدینند محمد بهارالدین از کله طاب وقتیز اوقاف کلید تقاضای حلیه اعطای ابن صفیر معتمدین به کتب
 عیس مشایخ مجرب و صفات استعدا کوشی و عهد منگولیه کن ۹۹ محرم ۱۰۶۶ تا آخر ستوار مولی اریه نیزه و صید غنی بدین
 برات مع و ولیدی و بدت قلندر خوج قیدینر ^{میان اوقاف} محمد عیسی ایست منگولیه زلفه من ایضاً اهل و بیگه که غنیزه بجه و شرف اوقاف
 موافق توبه یغندر بجه محمد عیسی بقیلر عهد منگولیه کن بیعت جده مستور اولاد شیخ محمد سترافن و فندز فیروزه از اناج اوقاف
 نطنی و هودت استعدا و اجم تطلد اوقاف و اصول و اسانک حوائق کورستما و چند عهد منگولیه کن ستوار مولی الاحق محمد کرا افندی
 محمد فندز مستور مولی محمد بهارالدین از غوره بقیلر بدین زنی مع اعطای التبتیه بقیع قنده ایبو ضبط داعید زور و مستور قنده

مطرفاً تقاضای مسابله ایام ارسال بورد بزمین

احمد باب

محمد باب

عبدالله باب

ابوالحسن

ابوعلی

سال ۱۱۹ هجری

نور و این ولایت محسن ادا نه از افغان مجیدان تقاربت چیکه از سال اربعه تا روزاً نعمت شمشیریه باقیمت مجیدان
 حواله بودید این مضبوط ایام مقلدانه یافت بدین جهت درین تقاربت محکم نیز معطل اعلام سرعینک حلاله دست به درین
 راه قریه سنق واقع و این خلدیه هم تیره سنی عبدالمجید است و فایده نما برین بالا نه از اهل بیتین ایوان اوغلی شیخ عالم
 تیز از خلدیه عبادت اهل عدت اخبار محمد مواتق اهل دلقم بخت و مقلدات در نور یافت اهل محببت حفظ
 ایلیان است و در نه نظر است که بخت فایده من ایلیان غیر الکلیس است بر وجه مقلدات محمد بن محمد است
 به ستونار موسی از خلدیه موسی است که این مقلد است به این جهت که ایلیان است ایلیان است ایلیان است
 داعیه درک مقلدانه مقلدانه

۵۱

نور و این ولایت محسن اوفان مجیدان تقاربت چیکه از نور زید نعمت شمشیریه باقیمت مجیدان حواله بودید این
 ایلیان است و در نه نظر است که بخت فایده من ایلیان غیر الکلیس است بر وجه مقلدات محمد بن محمد است
 به ستونار موسی از خلدیه موسی است که این مقلد است به این جهت که ایلیان است ایلیان است ایلیان است
 داعیه درک مقلدانه مقلدانه مقلدانه مقلدانه مقلدانه مقلدانه مقلدانه مقلدانه مقلدانه مقلدانه

۵۲

نور

وصفی
 انوار
 نور
 نور
 نور

خداوندگار و لایزال محمدی از سنه اوقات محمدی تقدرت جللیه نارایه ازین مظلوما باقیم محمدیانه حلاله برین مصلحت

لوردو
۱۲۶

ای مصلحتی که اعلام و سازد مصلحت اولی
مطلوبه مصلحت اولی اعلام خلاف
بلایه و فائده بنما جهت مصلحت
حفظ مصلحت اولی در مصلحت
بیت مصلحت اولی بر مصلحت
مصلحت اولی مصلحت اولی تقدرت
سارایه نارایه برین مصلحت

۱۲۱۹
۱۲۶ در العفو
۲۰

تلیس ولایت جو رس فریسن و این شیخ محمد شیکر صدر زاده که بنام محمد علی صاحب شرط و افاق خود
اولاد ملا جهر را ازین بقید مصلحت ایستادیم برات کالیس مصلحت اولی و فروع و فائده بنما
اولاد واقف ابوالرشد اولاد ملا ناد را ازین مصلحت اولی در مصلحت اولی
اعلام و سازد مصلحت اولی محمدی از سنه اوقات محمدی تقدرت جللیه نارایه ازین مظلوما باقیم محمدیانه حلاله
محمدیانه حلاله برین مصلحت اولی اعلام خلاف
بلایه و فائده بنما جهت مصلحت
حفظ مصلحت اولی در مصلحت
بیت مصلحت اولی بر مصلحت
مصلحت اولی مصلحت اولی تقدرت
سارایه نارایه برین مصلحت

لوردو
۱۲۷

۱۲۱۹
۱۲۶ در العفو
۲۰

محمدی
محمدی
محمدی
محمدی
محمدی

لورد

بسم الله الرحمن الرحيم

کفر طاعت و انوسیدان از جلی محمد امام که در حق او است که جعفر صادق است و اوقات باقی حلال بود از
آنوقت که در بطنک لفظ اول است و در آن وقت معلوم می شود که آنجا که حقیقتش کفر و طاعت است
ارو و عا بر اولی است کفیت عا در حدیثی است در کمال کمال بقدر ارجح است

۱۱۹

لورد

لورد
۶۹

کتاب مقدس جلد اول و اوقات تقیبه در آن محمد زین العابدین است او فاضل است از این زمان که از آن وقت که
و غیره که در اوقات است از او فاضل است که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که
عالمی بود که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که

۱۱۹
۱۱۹
۱۱۹

لورد

لورد
۷۲

بر در باب رین محمد و اوقات سعد در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که
حلال بود که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که
او نیز است که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که
تقیه است که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که

۱۱۹

لورد

لورد
۷۴

سویچ در واقع سعد را همی نشی نوز حلی از آن که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که
است و که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که
او نیز است که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که
تقیه است که در آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که از آن وقت که

۱۱۹

۱۱۹
۱۱۹
۱۱۹

لورد

بخش زام عمر فراد انصار در بر باقیق حواله یوریلان ابو یوسف
عضلی اودنه اوله اسلام جولیا کونا هم نایت شرمه نمنه باقیق حواله یوریلان کونا هم و افغ بخش اوله در لاله
جنا اصول و نظای دار و سون بکار کونا از برین جمل و کوشی از بعضی اهلک منا لدرین حقیقی تر کوشی

۱۸ حواله

لورد

بر در باب رینا حکم کن دافو سعور در راه رینی جملانده نمنه شون جاور محمد منگده اهلانده بعضی طرفه
باقیق حواله یوریلان ابو یوسف حواله اوله در راه رینا کونا هم و افغ بخش اوله در لاله
انکه منی کونا هم در اوله حقیق اوله نمنه حقیق حواله یوریلان کونا هم و افغ بخش اوله در لاله

۱۹ حواله

لورد

وزیر نیکس بخش عید افغان از ان طاقته باقیق حواله یوریلان ابو یوسف حواله اوله در راه رینا کونا هم و افغ
سوم نیکس لوهده بویش حقیقی تر کوشی

۲۰ حواله

لورد

حداده کار ولایت بدینده باقیق حواله یوریلان ابو یوسف حواله اوله در راه رینا کونا هم و افغ
دور و ک منگده حواله اوله در راه رینا کونا هم و افغ

۲۱ حواله

لورد

فدس ریفت دافو بخاری نیکس حقیق بعضی مسیفته و خیمه در حادر بخاری لاله طغنده باقیق حواله
یوریلان ابو یوسف حواله اوله در راه رینا کونا هم و افغ

۲۲ حواله

لورد

محمد سوم در بد باقیق حواله یوریلان ابو یوسف حواله اوله در راه رینا کونا هم و افغ
حقیقی تر کوشی

۲۳ حواله

اصول و نظای دار و سون بکار کونا از برین جمل و کوشی از بعضی اهلک منا لدرین حقیقی تر کوشی

لورد

توجهی قصاصه واقع سان اذن بر کلمه بخت است ایزت عی جدر میسخت این و نماند بر نماند اشتغال است
 ۲۵
 در سعادت کلمه تحصیل علم استغول بود یعنی حالت بود که بعضی را فرزند در راه و مکره مداحا اوقات را بگذرد
 بجهت مداحه واقف بکن مغز و سنی کمال ایرد بکنند بخت جنتک است که زینت است عمل الود اعلم
 نتعلم ایندیش مستحق است اولم اذن محمدی حسین اذن و فتنه باقیمت حواله بگوید و فضا له علم الکلیت
 معاد اولاد است و لهذا مستحق صوابی است اما اجدید بودجه اوله کلمه محمد ایزد الی بی برتسح و توقف
 مندرج است میان الی کلمه بودم تحصیل علوم استغول بود یعنی اجنه بود است تا طغی می باشد
 و نوعی است که صوابی است بقیه بخت بختی است که بقیه است علی الامم لازم کلمه اعلم و بقیه
 نتعلم ایندیش است ارفان بکلام جلیله کلمه است که حفظ است بختی بود که بختی است که بختی است
 بختی بود که بختی است
 ۵ ریح الاصل ۱۹ ص ۵
 لورد

لورد ۲۶

استادیم کفریم محمدی واقع طرف حلقه در بخت فیضا اذن در راه بختی است که بختی است که بختی است
 باقیمت حواله بگوید استغول است که بختی است که بختی است که بختی است
 مستحق صوابی است بقیه بخت بختی است که بختی است که بختی است که بختی است
 بعدا مستحق صوابی است بقیه بخت بختی است که بختی است که بختی است که بختی است
 بختی بود که بختی است
 ۵ ریح الاصل ۱۹ ص ۵
 لورد

لورد ۴۱

مستحق صوابی است بقیه بخت بختی است که بختی است که بختی است که بختی است
 با در راه بختی است بختی است که بختی است که بختی است که بختی است
 او بزم است که بختی است بختی است که بختی است که بختی است که بختی است
 مستحق صوابی است بقیه بخت بختی است که بختی است که بختی است که بختی است
 ۵ ریح الاصل ۱۹ ص ۵
 لورد

مستحق صوابی است بقیه بخت بختی است که بختی است که بختی است که بختی است
 انوالصص
 مستحق صوابی است بقیه بخت بختی است که بختی است که بختی است که بختی است

بولیورین تصدیک احاطه ناهستند مدفون احمد زنجی جو قدر زایدی زیاده دار افتخار ملا ارسلان و فائز نیازی
 ارباب صلاح و تقاضای افتخار ملاعباده نهم کی کتاب اولی قندز جمله بوضاحت عیادت هادر اکواری افتخار تدریس
 پوست تین و فندز القیم حردله بیورلا ابو صفا مصطوفی است دیو کوشه ده بدنه فو تین حردله علیک
 محله غایب بوشتی اولی قندز زایدی فکله و کالغی من القیم افتخار تدریس اولی قندز کلیدی و موسی الی ملا عبیدالله
 زایدی دلفی و فیم سز ایضاً کفاز اکلا لیتقی حالت ابو ایچای حضرت لیکه فضا و فکله زایدی زایدی اور و سحر
 بیورلین زایدی

لورد
۲۶

در سواد اولی قندز

لورد
۲۰

بدره و واقعه اعمال حق جو قدر در راهی بوشتی شیخ احمد فانی افروز قندز القیم حردله بیورلا ابو صفا
 معتمدان خلد و سز ایچای بود سز ایچای بیورلا فندز در راه فکله و کالغی من القیم حردله بیورلا ابو صفا
 افتخار ایضاً سز ایچای در راه فکله و کالغی من القیم حردله بیورلا ابو صفا
 حردله بیورلا ابو صفا افتخار ایضاً سز ایچای بیورلا فندز در راه فکله و کالغی من القیم حردله بیورلا ابو صفا
 لایق حردله بیورلا ابو صفا افتخار ایضاً سز ایچای بیورلا فندز در راه فکله و کالغی من القیم حردله بیورلا ابو صفا
 در راه فکله و کالغی من القیم حردله بیورلا ابو صفا

لورد
۲۹

احمد زنجی

محمد زنجی
در سواد اولی قندز

محمد زنجی

محمد زنجی

محمد زنجی

لورو
۲۶

فظیر از طرفین باقیقی حوله بویلاز ابو عضا مع له از دست در وقت حوراد تو از او حور
طبعه من بعدا مع مع ما ایا مع ایند که حضرت ابده او تا فهدین بقدرت حلیه از ایا بویلاز من ترکت

۱۵ راجع الیه

لورو
۲۷

الیه بویلاز از طرفین باقیقی حوله بویلاز ابو عضا مع له از دست در وقت حوراد تو از او حور
فظیر ابو اولیای معی هند با شجین حبه حوله کینتا و لیدنی حله ایجا ابو الحق از نه شیک لیدن ادرق حقلی نذا

۱۴ راجع الیه

لورو
۲۸

عصمت اعصابه از طرفین باقیقی حوله بویلاز ابو عضا مع له از دست در وقت حوراد تو از او حور
مع له از دست و ایجا معفا بیضیضا لیدنی کله بویلاز ادرق حقلی نذا از من اظنین ادرین

۱۱ راجع الیه

لورو
۲۹

اینه اذال افضله معف سله از بویلاز ابو عضا مع له از دست در وقت حوراد تو از او حور
اطهت و بویلاز من اضعفا ادرین ایش عدیه ج با طقت ارضب کور کون مضرط اولان احوال نظر مجله مع له ادرین

۱۲ راجع الیه

لورو
۳۰

شیخ فیضاه از راه شیخ مصلح ادرین از طرفین باقیقی حوله بویلاز ابو عضا مع له از دست در وقت حوراد تو از او حور
استفا ایجا ساین علم فز که شرب و طیش اعفد بویلاز حقلی نذا ترکت

۱۳ راجع الیه

لورو
۳۱

شیخ اجملا از طرفین باقیقی حوله بویلاز ابو عضا مع له از دست در وقت حوراد تو از او حور
بخت جنتی استفا نبوه ایدلشی اعفد بویلاز حقلی نذا ترکت

۱۴ راجع الیه

لورو
۳۲

شیخ مصلح ادرین از طرفین باقیقی حوله بویلاز ابو عضا مع له از دست در وقت حوراد تو از او حور
جیدتیه و فیه بویلاز انما ادرین استفا من فلقی راسطه لیدنی عدیه بنیضه فله فیضاه ادرین در راه شیخ

۱۵ راجع الیه

لورو
۳۳

سوالر مع له ادرین دور و کوم ایدلشی او لیدنی بویلاز حقلی نذا ترکت

۱۶ راجع الیه

و صفی انوالقصوری

لوردو
۲۵

بخت بدست به نوبت در خداوند

لوردو ۱۰۶
 اور وقت از طرفه نالغیر صلح بودی از ابو و ضار صلح او است
 رافع محمد نام در احوال و صحابه او بود یازدهمین که تو افکند هم از این طرفه طوایف در احوال و در بارین صلح بود
 او درین بیدار است تحقیقات واقع در آن زمانید ایوب الان به شیخی بولند عثمانی ابوبکر و در خارج از کتب است که
 بود در آن زمان که در آن وقت حقش او را در آن کمالی که از آن حقیقت حقیقتی که در آن کمالی که در آن کمالی که در آن کمالی که
 اینها بالا با درگاه و در آن زمان که
 او در آن وقت که
 تدریس

۱۰

نویسند لوردو

انوالصص دوری

لوردو
۲۶

لوردو ۱۰۷
 محققان او را در آن کمالی که
 اینها بالا با درگاه و در آن زمان که
 او در آن وقت که
 تدریس

۱۰

نویسند لوردو

انوالصص دوری

هاتون من نوسه جوارين دانغ وانغ عايه سعير دنه عبدالام حوند درگاهه ستر نفه پوت نيتلنگه حسب اللوم
 شيخ كافر سعيات و محضه اينده شيخ احمد صبيح فرزند شيخ توحيد ايجاب ايقن ايه پيشه و موم الاله سيبه
 مومت زلفه سزا اينده اهل وقته رانگش اهل وقته معلمه و توحيد پيشه اهل وقته ايوه صبيح را عبايه
 مغر و قار قاف هويدن لغت حليقه ارسا پو طرا باين

احمد محمد

لحم

عبدالله محمد

الوالدص

در ۱۲۱۹ هجری

دور
۱۲۲

خلدن چاکس ادغلق و فزار استا عبد العزم از جمع برقت واقع حبه نام از نقور و قفخ بخت جته نوز
 اران بیدر شیخ خاله فزینک و صیفه بدرار هدایت و زهد اقبی بزرگ ایدرک دانه نیز مخلاد از نبتت فزینک
 بقیه سق کبر اوغی محمد عام افز طافنخ او فاف جهون لغزت حلیله بالاغی مغوی حقیقه نیز البقیه محمد
 محمد صفا صفا لغز و جنت فزینک ۲۸ و صفا شیخ مار فزینک صفا موی المانی یوه نیز حبه اولی فزینک
 بر شیخ در لیلی حیات فزینک مخبر فزینک اکلا کلب مسفر موی اری محمد صفا افز فزینک فزینک از ابان اهل
 بادر صفا موی المانی هدایت و زهد افزینک بکن و راهت امان ایدرک افتاد و در جنت ایستاد و ایدرک
 اوز نبتت فزینک مسفر موی اری محمد عام افز حبه نیز فزینک اعدا کربس بقیم فزینک ابو صفا
 معقده بطور فزینک ماری ایدرک ایدرک ابو صفا

دور ۲۱۹
 دور ۲۱۹

دور
۶

دیره بلا فزینک در پیشه صفا کبر فزینک واقع فادر در کله شیخ فزینک الفاد و فزینک دانه منی مخل اولی نبتت
 محقق شیخ حسین افز نبتت حقیقت دیره نیز فزینک حلیله نیز در بلا فزینک و متو کانت فزینک ایضا فزینک
 فزینک و لا فزینک او فاف جهون فزینک حلیله نیز فزینک فزینک حلیله موی اری محمد عام افز فزینک فزینک
 لازم کله اعدا کربس بقیم فزینک موی اری محمد عام افز فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک
 اعدا کربس بقیم فزینک موی اری محمد عام افز فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک
 مسفر موی اری محمد عام افز فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک
 اعدا کربس بقیم فزینک موی اری محمد عام افز فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک
 کربس بقیم فزینک موی اری محمد عام افز فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک فزینک

دور ۲۱۹
 دور ۲۱۹
 دور ۲۱۹

لردو

فصل پنجم برون پایه تمام واقع واقع سعید روز پنج جبهه از بدنه شک و صحرای بود بقیه بنجه باد است ایکن اوزنه است
 بینه کوه از توپخانه است محمود ازین واقعه باقیم حواله یوریلان ابو عثمان است سقا طوم رتبت مندرتک ۱۸ در کجای
 تاریخین شیخ محمد توحید اصفهانی بیدیه است وی در ایلی و واقعه کور و قیاسه است بخت و از حدت که به تو تف و تان
 مکه بود و از فضل اولاد از اولادین سقرض اولادیه و از فضل خلفان مشروط اولادیه و با تان کتک کلید محمد در تان
 و واقف منورک اولاد و خلفان کجا منقوش اولادین توققات واقعه منجان اولادیه و صحرای بود در راه مکه
 قوت جلیه اوزان اولادیه بود که افیم طلب ازین اوزنه بعد میسج از ماه فراتق باد است ایکن ایلی اولادیه
 ایکن اولادیه و این سقرض خلفان اولادیه است و قیاسه از ایلی کلان معلوم بود که مندرتک اولادیه است و واقعه کور و تان
 است و است اعصا التنبیب تقیه ازین واقعه کور و واقعه کور اولادیه است و اولادیه است و اولادیه است

۱۷ محرم ۱۲۰۳ هجری

لردو

فصل ششم واقع افیم سوزا برادر سنجت ولیدم درین روز نایرت و متوفی اولادیه است اولادیه است و اولادیه است
 منکاران بخت ولیدم درین وقت بر وجه شرط واقف اولادیه بود متوفی اولادیه است اولادیه است اولادیه است
 ازین سوزا بنجه بیدیه است است اعصا ازین سوزا کتک اولادیه است اولادیه است اولادیه است
 کور بیدیه منورک اولادیه است بخت اولادیه است اولادیه است اولادیه است اولادیه است
 اعلام و سوزا و سوزا کتک و سوزا کتک اولادیه است اولادیه است اولادیه است اولادیه است
 ولیدم درین وقت بر وجه شرط واقف سوزا کتک اولادیه است اولادیه است اولادیه است
 منقذ اولادیه است اولادیه است اولادیه است اولادیه است اولادیه است

۱۷ محرم ۱۲۰۳ هجری

وصف
 ابوالفضل
 محمد

لومو

هناك في كتابه دم چشمه كقربن طوبى من محمد بن واقف طريقت محمد رفاعيه دن شريدار رهاص بوست نيش شيخ
 محمد عارف افندي نيك وفاته نيا محل اولاد نيك جنتك شرطه بولديغندن جده عدنان بولديغندن شيخ محمد عارف افندي
 طرفندن اولاد محمد افندي رت جليله اعلا الوعيت مفاردا معلم من شيخ محمد افندي التبع كبدن ساخن حواسم جديلا وعضو

الهند
 اولاد محمد افندي جهات اولاد نيك طرد عرض مال مورد رتارينه نظراً محمد مفكدم شريجي زام تزيه اساتفتن كانه و علم نيقه
 زاب نيك بر ج حسن نيك حتر رفاعيه معنيه سيد ١١١٥ الفعه ١١٢١٥ تاريخت سونار مولى محمد عارف افندي بجه اولاد نيك
 بيرون بات بيدريك وقف مفكدم بكن ايكوز بشن تاريخيد سوزف اولاد تاريخت سيقه اولاد رفاعيه سون وقف مفكدم
 نوز ديمه مفكدم نيك نيكته بلا رفاعيه حسن ايسين طريقت رفاعيه نيك اولاد اولاد شيخ محمد افندي بعث بزوعيد طريقت
 اولادينه و اولاد اولادينه و اولاد اولاد اولاد نيك اكيرينه بعد الاقرافن خلفانك افندي بعدم خلفانك افندي و بعدم
 نيكته و نيكته مفكدم مطلقاً نيه طريقت رفاعيه مشايخه شرطه و هو مطور بولديغنى اكلانك و مولى ارايش
 عبد افندي نيك اولادى و اولاد اولادى و اولاد اولاد اولاد ايد خلفانك و خلفانك خلفانك بالكلية نقرض اولاد نيكته و مولى
 شيخ محمد عارف افندي مولى ارايش محمد افندي نيك التبعي درجه خلفانك بولديغندن سول اولاد نيه مفكدم نيكته و نيكته
 اولاد نيه مولى محمد عارف افندي مولى ارايش محمد افندي نيك التبعي درجه خلفانك بولديغندن سول اولاد نيه مفكدم نيكته و نيكته
 مولى محمد عارف افندي مولى ارايش محمد افندي نيك التبعي درجه خلفانك بولديغندن سول اولاد نيه مفكدم نيكته و نيكته

درجه اولاد جنتك محمد رفاعيه نيه ترددان نيكته ايسين اولاد نيه
 نيكته ايسين نيكته رفاعيه نيكته جليل نواخانه چوالبور لست رفاعيه اولاد نيكته
 انوالعص و مولى مولا محمد افندي

٢٢ صفحہ ١٢٤

توفیر لازم کلدینند و بویک طشه هم بدند جهانک بدفاتیق محمد مورثات او بدند ایا ایس رفقه صی اصفه نند بولید نند
 و موسی الی اخلاص را هم شیخ عبید اعدا نند و طاه و نکلرک شیخ الحارثی حالک آفرافندند اولی و دقف تنظیم قید و مانی
 حال و صحت اهل مدینه عینند زکارند خویش در کاهمی نند و نند متون موسی الی شیخ عبد القادر اصفه نند محمولند اولی
 و ابر الی ایا بغیب محلیه نسبت اهل حق اهل و ارباب برزده توفیر نند کیفیت ^{علاوه} یکیز با اعدام و ضبطه انکار حضور نند
 حلیب و ابیت پیر نند تبلیغ و انقاری نند طغفان بدند نند اعلم سیر بقیع قده ابو تنکه داعیان نند مطردا نقارت ^{مبارک}
 اسباب بویک طشه را نند اصفین ایدین

محمد علی قلی
 اندر القاص دوری محمد علی قلی
 لعل

۱۲ - مع الاوه



لورد
۱۲

لورد مرشد واقع علا و الله بك اذ فاضل في بيان ازايم كبريتية غير حقة بعض مستغاة حادي و عش نقيب الاكران كرم
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۲
 بابت ترجمه نسخ تقيم از لغت حوالمه بويلا بر ۱۶ و ۱۷ در العدمه تاينه ايا قطع خورس و لغفانه و عش تون
 و لافندز با تقيم كذا حوالمه بويلا بر ۱۶ و ۱۷ در لغفانه فرست و معالعم الخش و الفانه ۱۴ در العدمه تاينه خورس
 جوابه مد چانه بتفصيل بيان ايزه معاليم بر تفصيل حك اهلب شصت مدعي بولنه مندر و ضوابط ارعالي و الهو و باه
 اهد بغي اكله كذا او صفا حبه و اجتهاد كنه تقيم كند و ايزه تفهيمه امدان مكله نك ادر اوق حقه تدرنت

انوالعصا لوري رهوه
 ۱۲ سواله ۱۲

بود و سبب این سخن در آنست که او را در کمال آن قدرت جلالتی از آن تعجب نظر و تا نفهم و منتهی این به تقیم خود خود متوجه شده
 بود و از فضل و لغو فایده اعم و از او در آن قدرند و در فضل آنکه اول جمله و تا آخر سبب و طرفت بعد از خلقت در خلق
 در راهی است که خود را فتنه کند و فتنه یمن صغیر و غیره از آن تر و ترک است و در آن تر و فتنه است و از آن تر و فتنه است
 کسب اهلیت این بی خود سازد و راهی بود که در همین اثر بود و از آن تر و فتنه است و از آن تر و فتنه است
 از آن تر و فتنه است و از آن تر و فتنه است
 چون از آن تر و فتنه است و از آن تر و فتنه است
 فضل و از آن تر و فتنه است و از آن تر و فتنه است

و صفی

انوار المعص

و صفی

عدد ۲۶

۹۸

نصیب ایوبی الاضمار ضعیف الباری حوفر حوانی وافر روز نامج اولی الجای و قضا از موصوکن لغتیه زیاد سنغ نصف حومت
 بوتره منفرد اولان می رشت که اسید محمد عاشر افندیکن بلا و لدر کور وقوع و نانه بنی منی اولان نصف حومت که بر تنگ عدل
 بولان نصف حومت بتی بتره علاوه بوقی منقر محمد با الدین فن طافه نزه بالقیم حواله بویر لاجر موقوفه منی اولان کرسی در بخت
 نکلده محمد عاشر و محمد زکریا افندیکن عدو از من المکن محمد زکریا افندیکن و نانه نصف حوسر محلو صنف محمدی منقر موی ای محمد با الدین
 در حبه اولان بنی بدین استانی حیدر و بولیک ایوبی ای محمد عاشر افندیکن اجدا بلا و لدر کور وقوع و نانه بنی منی اولان نصف
 بخت حینک و طیفه شیخی ایغایه اهل بولان منقر موی ای محمد با الدین افندیکن عدو بولان نصف حومت بتی بتره علاوه
 عدو بوقیه بدین مستعدا بتره ای محسرتین فلانی احمد لقیم اولان ابو مصیبط داعیان نکر و طو ر نا اولان قضا اولان قضا حیدر

۹ در القصد

ایس بویر لاجر

و صحتی —————
 ایوانقص در ای صفا
 و صحتی

لورد
۱۶

لورد ۵۲
طالعین هم شیخ الحیاخ چندی که در عهد نبوی منصف مؤذن زام عبیده ارضانه بنفین صلعم بود بران ابو سعید
در مدینه با هم اندیشیدند که روشی جایگزین از حدیثی که در مدینه بود بنفین حدیثی
از بعضی یوین مجسمه برینا باید در خطی که
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

لورد
۱۵

لورد ۶۲
المصوفه منجمه با یادگار تریسی زید دار صدیفه در مدینه صلعم بود بران ابو سعید صلعم اندیشیدند
توسعه در مدینه است و در آن اوقات در احوال خود را اندیشیدند و گفتند که در حدیثی که در مدینه بود بنفین حدیثی
الطبعه ایجاب این حکم را بجهت از دستگاری افکنند و بنویسند بر تریسی که
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

وصف
انوالعص دوری
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

لورد
۱۶

لورد ۶۵
۵ حوافد را هم بدین کیفیت بنفین صلعم بود بران ابو سعید صلعم اندیشیدند که او در مدینه صلعم اندیشیدند
السلام در مدینه بود و در وقت که در مدینه (بنی) بنا را فرمودند و گفتند که در مدینه صلعم اندیشیدند
بدرستی بنفین
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

لورد
۱۷

لورد ۷۲
مردی که در آن ایام در مدینه صلعم اندیشیدند که او در مدینه صلعم اندیشیدند
انوالعص دوری
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

لورد
۱۸

لورد ۷۷
حفظ بر آن ارضانه بنفین صلعم بود بران ابو سعید صلعم اندیشیدند که او در مدینه صلعم اندیشیدند
ارشدن بعضی بسیار کردید و می آید در راهه قیوم این ریجی قطعا اندام و کیفیت منصف بنفین صلعم اندیشیدند
حفظی در آن
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

لورد
۱۹

لورد ۸۱
این را که در آن ایام در مدینه صلعم اندیشیدند که او در مدینه صلعم اندیشیدند
ارشدن و شایسته اندام از تریسی اولاد بنفین صلعم اندیشیدند که او در مدینه صلعم اندیشیدند
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

انوالعص دوری
۱۱ عمار کلاویز ۱۰ ص ۱۱

درو
۲۲

۵۵ هزار غار کاهی در دست زین از طرفت باقیه معلوم بود و از این برتو و غار کاهی بعد از آنکه در آن
الگوی او در آن کاهی در دستش در عهد قدیمت با ابراهیم با در کنار بار خشت بود و در آن وقت
همین لغت بود که از این بود که در آن وقت

درو
۲۳

۵۶ هزار غار کاهی در دست زین از طرفت باقیه معلوم بود و از این برتو و غار کاهی بعد از آنکه در آن
الگوی او در آن کاهی در دستش در عهد قدیمت با ابراهیم با در کنار بار خشت بود و در آن وقت
همین لغت بود که از این بود که در آن وقت

درو
۲۴

۵۷ هزار غار کاهی در دست زین از طرفت باقیه معلوم بود و از این برتو و غار کاهی بعد از آنکه در آن
الگوی او در آن کاهی در دستش در عهد قدیمت با ابراهیم با در کنار بار خشت بود و در آن وقت
همین لغت بود که از این بود که در آن وقت

درو
۲۵

۵۸ هزار غار کاهی در دست زین از طرفت باقیه معلوم بود و از این برتو و غار کاهی بعد از آنکه در آن
الگوی او در آن کاهی در دستش در عهد قدیمت با ابراهیم با در کنار بار خشت بود و در آن وقت
همین لغت بود که از این بود که در آن وقت

درو
۲۶

۵۹ هزار غار کاهی در دست زین از طرفت باقیه معلوم بود و از این برتو و غار کاهی بعد از آنکه در آن
الگوی او در آن کاهی در دستش در عهد قدیمت با ابراهیم با در کنار بار خشت بود و در آن وقت
همین لغت بود که از این بود که در آن وقت

درو
۲۷

۶۰ هزار غار کاهی در دست زین از طرفت باقیه معلوم بود و از این برتو و غار کاهی بعد از آنکه در آن
الگوی او در آن کاهی در دستش در عهد قدیمت با ابراهیم با در کنار بار خشت بود و در آن وقت
همین لغت بود که از این بود که در آن وقت

درو
۲۸

۶۱ هزار غار کاهی در دست زین از طرفت باقیه معلوم بود و از این برتو و غار کاهی بعد از آنکه در آن
الگوی او در آن کاهی در دستش در عهد قدیمت با ابراهیم با در کنار بار خشت بود و در آن وقت
همین لغت بود که از این بود که در آن وقت

لورد
۷۶

محمد زکی از طرفه تحقیق حمله بر بلاد ابو عضلایه نمود
یعنی آنکه آنجا آفرید اول مارچ در روز چهارم
اسی نگار اول در راه تحت جفا در راه قبیله و قبیله سر قبیله ششمه غارت نمود مالدیوا را بر سر قبیله درین نگار اول
همین سخن در خطبه ای که بعد از آن گفت

۱۸ سوال ششم

لورد
۷۵

بغداد از یک طرفه و کله هرت جبهه منوف اولاد بویک برادر شیخ محمد امین آفتابک فنانه زین مملکت است قیام
نموده از کله هرت بویک بویک برادر شیخ محمد امین آفتابک فنانه زین مملکت است قیام
آنجایا نیندیکند و کله هرت بارها سگ سگ به رخالت ایستاد بود که دفعه اول از استسکار او نیند سگ سگ
چیند قیام و بصورت حقیقت خرد و بسیار حقیقت جمله هیت فکونه یک سر و واقعه واحد و واقعه توفیق
محمد بن یونس اخانی شرف علی الجید از طرفه تحقیق حمله بر بلاد ابو عضلایه نمود
متوجه می آید استسکار او ازین عمل که در حقیقت بویک بود که سگ سگ و سگ سگ که سگ سگ برادرین بویک
ترجیه او به تحقیق تحقیقات واقعه در اکتالیب که در سینه سینه ظنیف من ایقابه کفایت که در استه اصغر سگ سگ
فکونه سگ سگ و بات نظایر سگ سگ برین شیخی نام اینه توغایا با در سوغان سومی از شیخ محمد امین از مملکت سگ
سومای سگ سگ علی الجید بویک حقیقت لازم کلان اعلام و ضبط سگ سگ سگ سگ سگ سگ سگ سگ سگ
جلیان این حضور است بعد از آن مرز بایست سگ سگ ابوت سگ
او در خطبه بویک سگ سگ

۱۹ سوال ششم

وصفی
انواع العصب دوری
عصب

۷۵ چه بگویند و خندند و گاهی بیخوابی و غم از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
نه تنها بیگانه احوالک با تحقیق علی وجه علم ایا حضورت قربت در نیات تو کرم از او بخار بود که تا ترکت
بود و

۷۶ بود و این حق حضرت و گاهی بیخوابی و غم از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است

۷۷ چه در راه ادعای خود و در این تقییم حوله بویلان اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است

۷۸ کور و قیاس و واقع بنا و از آن ابدا که تا در این طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است

۸۹ بویلان و در این تقییم حوله بویلان اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است

۹۰ بویلان و در این تقییم حوله بویلان اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است

۹۱ بویلان و در این تقییم حوله بویلان اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است

۹۲ بویلان و در این تقییم حوله بویلان اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است
بسیار از آن طغیان یافته و صدمه ببردند اینو بخوانند که در راه فکرم و حقیقت مویز است

صفحه اول
انرا بشود لوری
صفحه اول

محمد محمد در مدینه باقیق حوصله بریدان ابو یوسف امام علم الهنر خلافتش به برتوفه عبدالرفیع اقبه بن سحر اولاد درگاه هندی
جنت محمد بن یوسف از محمد بن عمارت که در کوفه است و در کوفه است
حاصل نمیشود از بقیق با بقیق عرض اهل هندیست و نوزاد او در کوفه حفظ از کوفه

۹ در العنقه

محمد محمد و سائر مدینه باقیق حوصله بریدان ابو یوسف امام علم الهنر سعد مقتضیه در سب احوال هندیست و نوزاد او در کوفه
نزد کوفه

۹ در العنقه

۱۷۷۶

محمد محمد در مدینه باقیق حوصله بریدان ابو یوسف امام علم الهنر سعد مقتضیه در سب احوال هندیست و نوزاد او در کوفه
نزد کوفه

۹ در العنقه

محمد محمد در مدینه باقیق حوصله بریدان ابو یوسف امام علم الهنر سعد مقتضیه در سب احوال هندیست و نوزاد او در کوفه
نزد کوفه

۹ در العنقه

انوالقص دوری

محمد محمد در مدینه باقیق حوصله بریدان ابو یوسف امام علم الهنر سعد مقتضیه در سب احوال هندیست و نوزاد او در کوفه
نزد کوفه

۹ در العنقه

محمد محمد در مدینه باقیق حوصله بریدان ابو یوسف امام علم الهنر سعد مقتضیه در سب احوال هندیست و نوزاد او در کوفه
نزد کوفه

۹ در العنقه

انوالقص دوری

محمد محمد در مدینه باقیق حوصله بریدان ابو یوسف امام علم الهنر سعد مقتضیه در سب احوال هندیست و نوزاد او در کوفه
نزد کوفه

۹ در العنقه